



# آشنایی با کلیات علوم اسلامی

(فلسفه و عرفان)

(رشته الهیات)

دکتر سید علی دانش پور

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک‌درسی چاپ می‌شوند.

**کتاب درسی** ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

**متن آزمایشگاهی** (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

**کتاب‌های فرادرسی** (ف) و **کمک‌درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

**مدیریت تولید مواد و تجهیزات آموزشی**

## فهرست

| سیزده     | اشاره                         |
|-----------|-------------------------------|
| چهارده    | پیشگفتار                      |
| چهارده    | الف) سرگذشت درس               |
| چهارده    | ب) تمایز علوم اسلامی          |
| پانزده    | ج) تألیفی سهل و ممتنع         |
| هفده      | د) هدف‌های کلی کتاب           |
| نوزده     | ه) ویژگی‌های مهم کتاب         |
| بیست      | و) چند تذکر                   |
| بیست و دو | ز) سخنی با مدرسان و دانشجویان |
| بیست و سه | اعتذار و انتظار               |

|    |                                           |
|----|-------------------------------------------|
| ۱  | بخش یکم: کلماتی درباره فلسفه و حکمت       |
| ۳  | کلمه‌ی یکم: آشنایی با مفاهیم کلی فلسفی    |
| ۳  | الف) تحلیلات                              |
| ۷  | ب) تعاریف و مفاهیم                        |
| ۱۰ | ج) الفاظ و اصطلاحات                       |
| ۱۰ | ۱. لفظ «فلسفه» و لفظ «سفسطه»              |
| ۱۰ | ۲. معانی مختلف برای لفظ فلسفه             |
| ۱۱ | ۳. لفظ «فیلسوف»                           |
| ۱۲ | ۴. لفظ «مابعدالطبیعه»                     |
| ۱۴ | ۵. لفظ «ما قبل الطبیعه»                   |
| ۱۴ | ۶. لفظ «ما وراء الطبیعه»                  |
| ۱۴ | ۷. لفظ «علم» و مقایسه‌ی آن با لفظ «فلسفه» |
| ۱۵ | د) اهداف علوم و اهداف فلسفه               |

|    |                                                           |
|----|-----------------------------------------------------------|
| ۱۶ | ۱. اهداف مشترک علوم                                       |
| ۱۶ | ۲. اهداف فلسفه                                            |
| ۱۷ | هـ) فوائد فلسفه و نیاز به آن                              |
| ۱۹ | و) ارکان علوم و ارکان فلسفه                               |
| ۲۰ | ۱. ارکان علوم                                             |
| ۲۰ | ۲. ارکان فلسفه                                            |
| ۲۱ | <b>کلمه‌ی دوم: آشنایی با رابطه‌ی فلسفه و علوم</b>         |
| ۲۱ | الف) رابطه‌ی فلسفه با طبقه‌بندی علوم                      |
| ۲۲ | ۱. انگیزه طبقه‌بندی علوم                                  |
| ۲۲ | ۲. ملاک‌های طبقه‌بندی علوم                                |
| ۲۳ | ب) رابطه‌ی فلسفه با علوم طبیعت                            |
| ۲۴ | ۱. تفاوت بین مسائل فلسفی و مسائل علوم طبیعت               |
| ۲۵ | ۲. افسانه‌ی جدا شدن علوم از فلسفه                         |
| ۲۶ | ج) رابطه‌ی فلسفه با علم کلام و عرفان                      |
| ۲۶ | د) رابطه‌ی فلسفه با روش‌های تحقیق                         |
| ۲۷ | هـ) رابطه‌ی فلسفه با علم شناخت‌شناسی                      |
| ۳۱ | <b>کلمه‌ی سوم: آشنایی با فلسفه در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی</b> |
| ۳۱ | سپیده دم علم در شبه جزیره عربستان                         |
| ۳۲ | الف) عوامل مهم شکوفایی علم و فلسفه در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی |
| ۳۴ | ب) فرق بین فیلسوف، متکلم و عارف                           |
| ۳۴ | ۱. فرق بین موضع فیلسوف و موضع متکلم                       |
| ۳۵ | ۲. فرق بین فیلسوف و عارف                                  |
| ۳۶ | ج) مفهوم فلسفه در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی                     |
| ۳۶ | ۱. تعریف فلسفه در حوزه فرهنگ اسلامی                       |
| ۳۶ | ۲. تقسیمات فلسفه                                          |
| ۳۷ | ۳. تقسیمات دیگری برای فلسفه                               |
| ۳۸ | ۴. حکمت حقیقی یا علم اعلی                                 |
| ۳۸ | ۵. فلسفه‌ی مورد بحث ما                                    |
| ۳۸ | د) ویژگی‌های حکمت در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی                  |
| ۳۸ | ۱. انتخاب واژه‌ی «حکمت» به جای واژه‌ی «فلسفه»             |
| ۳۹ | ۲. علل انتخاب واژه‌ی «حکمت» به جای واژه‌ی «فلسفه»         |
| ۴۰ | ۳. وفاق میان دین و فلسفه                                  |
| ۴۰ | هـ) حکمت‌های رایج در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی                  |
| ۴۲ | ۱. حکمت مشاء                                              |

|    |                                                                   |
|----|-------------------------------------------------------------------|
| ۴۳ | ۲. حکمت اشراق                                                     |
| ۴۷ | ۳. حکمت متعالیه                                                   |
| ۴۷ | چند تذکر                                                          |
| ۴۸ | الف) اتهام التقاط به حکمت متعالیه                                 |
| ۴۹ | ب) جایگاه حکمت متعالیه                                            |
| ۴۹ | ج) روش کار در حکمت متعالیه                                        |
| ۵۰ | د) دو نوآوری مهم در حکمت متعالیه                                  |
| ۵۱ | کلمه‌ی چهارم: آشنایی با چند مسئله فلسفی                           |
| ۵۲ | الف) مسئله‌ی وجود و ماهیت                                         |
| ۵۳ | ۱. چگونگی مفهوم‌سازی ذهن                                          |
| ۵۳ | ۲. چگونگی تفکیک مفهوم «وجود» و «ماهیت» در ذهن                     |
| ۵۴ | ۳. «هویت» و «ماهویت»                                              |
| ۵۶ | ۴. مسئله‌ی «اصالت وجود» یا «اصالت ماهیت»                          |
| ۵۶ | ۵. تاریخچه‌ی پیدایش مسئله‌ی «اصالت وجود» یا «اصالت ماهیت»         |
| ۵۷ | ۶. مبتکر مسئله‌ی «اصالت وجود»                                     |
| ۵۷ | ب) مسئله‌ی حادث و قدیم                                            |
| ۵۸ | ۱. نظرات قابل فرض در مسئله‌ی حادث و قدیم                          |
| ۵۸ | ۲. اختلاف نظر بین فیلسوفان و متکلمان در مسئله‌ی حادث و قدیم       |
| ۵۹ | ج) مسئله‌ی ثابت و متغیر                                           |
| ۵۹ | ۱. فیلسوفان طرفدار ثبات                                           |
| ۵۹ | ۲. فیلسوفان طرفدار تغیر                                           |
| ۶۳ | د) مسئله‌ی وجود ذهنی                                              |
| ۶۴ | ه) مسئله‌ی علت و معلول                                            |
| ۶۷ | و) موادّ ثلاث (وجوب، امکان، امتناع)                               |
| ۶۹ | کلمه‌ی پنجم: آشنایی با نظام‌های فلسفی یونان، اسکندریه و قرون وسطی |
| ۶۹ | الف) پیدایش تفکر فلسفی                                            |
| ۷۰ | ب) تقسیمات نظام‌های فلسفی                                         |
| ۷۰ | دوره‌ی یکم: نظام‌های فلسفی در یونان                               |
| ۷۱ | ۱. نظام فلسفی فیثاغورس                                            |
| ۷۱ | ۲. نظام فلسفی سقراط                                               |
| ۷۲ | ۳. نظام فلسفی افلاطون                                             |
| ۷۳ | ۴. نظام فلسفی ارسطو                                               |
| ۷۵ | ۵. نظام فلسفی اپیکوریان                                           |
| ۷۵ | ۶. نظام فلسفی رواقیان                                             |

- ۷۶ ۷. سرانجام فلسفه در یونان
- ۷۷ دوره‌ی دوم: نظام‌های فلسفی در اسکندریه
- ۷۷ ۱. فرق بین دانشمندان یونان و اسکندریه
- ۷۸ ۲. نظام فلسفی نوافلاطونیان
- ۷۹ ۳. کمال یا ضعف فلسفه
- ۷۹ ۴. پایان کار فلسفه در آتن و اسکندریه
- ۸۰ دوره‌ی سوم: نظام‌های فلسفی در قرون وسطی
- ۸۱ ۱. فلسفه‌ی اسکولاستیک
- ۸۲ ۲. دانشمندان و متکلمان قرون وسطی
- ۸۲ ۳. پایان کار علم و فلسفه در قرون وسطی

- ۸۵ کلمه‌ی ششم: آشنایی با نظام‌های فلسفی در عصر جدید و دوره‌ی معاصر
- ۸۵ الف) زمینه‌ی پیدایش رنسانس
- ۸۸ ب) پیشگامان علوم جدید
- ۹۰ ج) نظام‌های فلسفی در عصر جدید
- ۹۰ ۱. نظام فلسفی دکارت
- ۹۳ ۲. نظام فلسفی آگوست کنت ...
- ۹۷ د) نظام‌های فلسفی در دوره‌ی معاصر
- ۹۷ ۱. نظام‌های فلسفی پیرو «اصالت تجربه»
- ۹۸ ۲. نظام‌های فلسفی پیرو «اصالت طبیعت»
- ۹۹ ۳. نظام‌های فلسفی پراگماتیسم (اصالت عمل)
- ۱۰۱ ۴. نظام‌های فلسفی اگزیستانسیالیزم

- ۱۰۷ کلمه‌ی هفتم: آشنایی با نظرات مخالفان فلسفه
- ۱۰۷ الف) دانشمندان مسلمان مخالف فلسفه
- ۱۰۸ ۱. ابوحامد امام محمدغزالی
- ۱۰۹ ۲. ابن الجوزی
- ۱۱۰ ب) مخالفان فلسفه در عصر جدید
- ۱۱۰ ۱. نظر دیوید هیوم
- ۱۱۱ ۲. نظر ایمانوئل کانت
- ۱۱۲ ۳. نظر آگوست کنت
- ۱۱۳ ۴. نظر مؤلف

|     |                                                                      |
|-----|----------------------------------------------------------------------|
| ۱۱۷ | بخش دوم: کلماتی درباره تصوف و عرفان                                  |
| ۱۱۹ | کلمه‌ی یکم: آشنایی با مفاهیم کلی عرفانی                              |
| ۱۱۹ | الف) تحلیلات                                                         |
| ۱۱۹ | تحلیل یکم: عرفان یک معرفت فراذهنی و کهن                              |
| ۱۲۰ | تحلیل دوم: نقاط فکری مشترک عارفان                                    |
| ۱۲۳ | تحلیل سوم: شناخت عرفان، از راه استدلال عقلی                          |
| ۱۲۵ | ب) تعاریف و مفاهیم                                                   |
| ۱۲۷ | ۱. تعریفی از تصوّف (عرفان عملی)                                      |
| ۱۲۷ | ۲. «موضوع» و «مسائل» تصوّف                                           |
| ۱۲۸ | ۳. «اصول» و «مبادی» تصوّف                                            |
| ۱۲۸ | ۴. نظر خود صوفیان درباره‌ی «اصول» و «مبادی» تصوّف                    |
| ۱۲۹ | ج) الفاظ و اصطلاحات                                                  |
| ۱۲۹ | ۱. لفظ «صوفی» و ریشه لغوی آن                                         |
| ۱۳۲ | ۲. لفظ «عارف»                                                        |
| ۱۳۳ | ۳. لفظ «عرفان» و ریشه‌ی لغوی آن                                      |
| ۱۳۳ | ۴. فرق بین «تصوف» و «عرفان»                                          |
| ۱۳۴ | د) تقسیمات                                                           |
| ۱۳۷ | کلمه‌ی دوم: آشنایی با علل پیدایش تصوف و عرفان در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی |
| ۱۳۷ | الف) نظرات مختلف                                                     |
| ۱۳۹ | ب) مایه‌های تصوف و عرفان در اسلام                                    |
| ۱۳۹ | ۱. اسلام دین اعتدال                                                  |
| ۱۴۰ | ۲. زهد، پیشرو تصوف                                                   |
| ۱۴۱ | ۳. تصوف و عرفان معتدل در قرآن مجید                                   |
| ۱۴۱ | ۴. سیره‌ی پیغمبر اکرم (ص)                                            |
| ۱۴۲ | ج) مایه‌های تصوف و عرفان، در آیین حضرت مسیح (ع)                      |
| ۱۴۳ | د) جاذبه‌های تصوف و عرفان                                            |
| ۱۴۳ | ۱. رفتار بعضی از صوفیان راستین                                       |
| ۱۴۴ | ۲. سماع و موسیقی و شعر                                               |
| ۱۴۵ | ۳. برابری و تساوی افراد انسانی                                       |
| ۱۴۵ | ه) فرقه‌گرایی و پیدایش فرقه‌ی صوفیه                                  |
| ۱۴۷ | و) عوامل اجتماعی                                                     |
| ۱۴۷ | ز) سایر عوامل                                                        |
| ۱۴۹ | کلمه‌ی سوم: آشنایی با عرفان عملی، در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی             |
| ۱۵۱ | الف) مراحل سلوک                                                      |

- ۱۵۱ ۱. مفهوم «شریعت»
  - ۱۵۱ ۲. مفهوم «طریقت»
  - ۱۵۲ ۳. مفهوم «حقیقت»
  - ۱۵۲ ب) «مقامات» و «منازل»
  - ۱۵۲ ۱. «مقامات» از نظر ابونصر سراج
  - ۱۵۲ ۲. «مقامات» از نظر ابوحنیفه شهاب‌الدین سهروردی
  - ۱۵۳ ۳. «مقامات» از نظر ابوعلی سینا
  - ۱۵۴ ۴. «مقامات» از نظر فریدالدین عطار
  - ۱۵۵ ۵. «مقامات» از نظر ابن عربی
  - ۱۵۵ ج) «احوال»
  - ۱۵۵ ۱. مفهوم «حال»
  - ۱۵۵ ۲. «احوال» از نظر ابونصر سراج
  - ۱۵۶ ۳. «احوال» از نظر شهاب سهروردی
  - ۱۵۶ ۴. «احوال» از نظر عزالدین محمود کاشانی
- 
- ۱۵۹ کلمه‌ی چهارم: آشنایی با عرفان نظری در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی
  - ۱۶۱ مسائل مهم درباره‌ی عرفان نظری
  - ۱۶۱ الف) کشف و شهود
  - ۱۶۱ ۱. مفهوم «کشف»
  - ۱۶۱ ۲. آعلی درجه «کشف و شهود»
  - ۱۶۲ ۳. معرفت «خواطر»
  - ۱۶۳ ۴. «واقعۀ» و «مکاشفۀ»
  - ۱۶۳ ب) مسئله‌ی «وحدت وجود» در بین عارفان مسلمان
  - ۱۶۴ ۱. نظر سید حیدر آملی
  - ۱۶۴ ۲. نظر شعرانی
  - ۱۶۵ ۳. نظر دکتر محمد غلاب
  - ۱۶۵ ۴. «وحدت وجود»، در عبارات ابن عربی
  - ۱۶۷ ۵. یگانه‌انگاری یا دوگانه‌انگاری
  - ۱۶۷ ۶. بیانی از حضرت امام خمینی (ره) درباره‌ی «وحدت وجود»
  - ۱۶۷ ۷. معنی و مفهوم نادرست «وحدت وجود»
  - ۱۶۸ ۸. معنی و مفهوم درست «وحدت وجود» از نظر مؤلف
  - ۱۶۹ ج) اعیان ثابتہ
  - ۱۷۳ هـ) مقام «فناء»، «بقاء»، «اتحاد» و «اتصال»
  - ۱۷۴ ۱. «فنا» از نظر ابونصر سراج
  - ۱۷۵ ۲. «فنا» از نظر هجویری
  - ۱۷۶ ۳. «فنا» از نظر عزالدین محمود کاشانی

- ۱۷۶ ۴. مقام «فناءالفناء»
- ۱۷۷ ۵. «سر فنا» از نظر امام خمینی (ره)
- ۱۷۸ ۶. معانی مختلف برای «فناء»
- ۱۷۸ ۷. واژه‌های «وقفه»، «واقف» و «وقوف»، به جای واژه‌ی «فناء»
- ۱۷۹ ۸. کشش و کوشش

#### کلمه‌ی پنجم: آشنایی با فرهنگ و سنن صوفیان و عارفان

- ۱۸۱ الف) مسجد و خانقاه
- ۱۸۲ ۱. مسجد
- ۱۸۳ ۲. مسجد شونیزیه
- ۱۸۴ ۳. «حَلَقَه» اولین مجمع صوفیان
- ۱۸۴ ۴. «حَظِیرَة»
- ۱۸۴ ۵. «رُباط»، «زاویه»، «تکیه»، «لنگر»
- ۱۸۴ ۶. «دُویره»
- ۱۸۵ ۷. «خانقاه»
- ۱۸۶ ب) «شیخ و پیر»
- ۱۸۸ ج) تلقین «ذکر»
- ۱۸۹ ۱. انواع «ذکر»
- ۱۹۰ ۲. چگونگی اعمال «ذکر»
- ۱۹۰ ۳. بهترین «ذکر»
- ۱۹۱ ۴. نظر حضرت امام خمینی (ره) درباره تسبیحات اربعه
- ۱۹۱ ۵. کامل‌ترین «ذکر»
- ۱۹۲ د) الباس «خرقه»
- ۱۹۳ هـ) «سماع»
- ۱۹۴ ۱. موافقان «سماع»
- ۱۹۵ ۲. تحول در «سماع»
- ۱۹۵ ۳. مخالفان «سماع»
- ۱۹۶ ۴. قائلان به اباحت «سماع»
- ۱۹۷ ۵. «سماع» از نظر امام محمد غزالی
- ۱۹۷ و) «کرامت» و خرق عادت
- ۱۹۹ ۱. فرق بین «معجزه» و «کرامت»
- ۱۹۹ ۲. لزوم و یا عدم لزوم «کرامت»
- ۲۰۰ ۳. نظر دانشمندان بزرگ اسلامی در مورد «کرامت»

#### کلمه‌ی ششم: آشنایی با مشایخ صوفیان و فرقه‌های صوفیه

- ۲۰۳ الف) فهرست اسامی چهل نفر از مشایخ صوفیان و عارفان
- ۲۰۱ ب) شرح حال مختصر سه نفر از مشایخ صوفیان و عارفان در قرن دوم و سوم هـ ق
- ۲۰۶

|     |                                                                             |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------|
| ۲۰۷ | ج) شرح حال مختصر چهار نفر از مشایخ صوفیان و عارفان در قرن چهارم و پنجم هـ ق |
| ۲۰۸ | د) مشایخ صوفیان و عارفان در قرن ششم و هفتم هـ ق                             |
| ۲۱۰ | هـ) مشایخ صوفیان و عارفان در قرن هشتم و نهم هـ ق                            |
| ۲۱۱ | و) «زنان صوفی» در حوزه فرهنگ اسلامی                                         |
| ۲۱۲ | ز) «فرقه»های صوفیه                                                          |
| ۲۱۲ | ۱. «فرقه»های صوفیه تا اواسط قرن پنجم هـ ق                                   |
| ۲۱۳ | ۲. «فرقه»هایی که بعد از اواسط قرن پنجم هـ ق به وجود آمده‌اند                |
| ۲۱۵ | <b>کلمه‌ی هفتم: آشنایی با نظرات موافیان و مخالفان تصوف و عرفان</b>          |
| ۲۱۵ | الف) چگونگی نقد و بررسی در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی                              |
| ۲۱۶ | ب) تحلیلی از استاد شهید مطهری درباره عرفان                                  |
| ۲۱۸ | ج) نظر حضرت امام خمینی (ره) درباره عرفان                                    |
| ۲۱۹ | د) نظرات مخالفان تصوف و عرفان                                               |
| ۲۲۱ | هـ) عوامل زوال مسلک تصوف و عرفان                                            |
| ۲۲۱ | ۱. نزاع «شریعت» و «طریقت»                                                   |
| ۲۲۲ | ۲. کتاب‌های رذیه بر صوفیان و عارفان                                         |
| ۲۲۳ | ۳. دفاع صوفیان و عارفان از خود                                              |
| ۲۲۳ | ۴. نظر مؤلف                                                                 |
| ۲۲۷ | <b>ملحقات: آشنایی با فرهنگ اصطلاحات صوفیان و عارفان</b>                     |

توجه: فهرست منابع و مآخذ در زیر نویس هر صفحه آمده است

## اشاره

این کتاب بنا به پیشنهاد گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام‌نور (مصوب چهارمین جلسه‌ی شورای گروه، مورخ ۱۳۷۰/۷/۲۱)، به منظور تدریس دو واحد درسی به نام «آشنایی با کلیات علوم اسلامی - فلسفه و عرفان»، بر مبنای سر فصل دروس مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و براساس ویژگی‌های انتشارات متون درسی آموزشی از راه دور آن دانشگاه، تهیه و تدوین گردیده است.

نام اصلی کتاب، همان «آشنایی با کلیات علوم اسلامی - فلسفه و عرفان» است. اما از آنجا که مؤلف عنوان عام «کلمات طیبات»<sup>۱</sup> را برای کلیه آثار خود انتخاب کرده است، آن عنوان عام در برگیرنده این نوشتار نیز می‌باشد.

کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار و دو بخش است، هر بخش شامل هفت کلمه،<sup>۲</sup> و هر کلمه نیز به چند حرف<sup>۳</sup> تقسیم شده است.

### بخش اول: کلماتی درباره‌ی فلسفه و حکمت

### بخش دوم: کلماتی درباره‌ی تصوف و عرفان

پیشگفتار: که به منزله‌ی پیشنیاز این درس است - مشتمل بر هفت حرف است.

ملحقات: به «فرهنگ اصطلاحات صوفیان و عارفان» اختصاص دارد.

---

۱. کلمات طیبات: عنوانی است برگرفته از آیه شریفه: «الَّذِينَ تَرَكُوا كَلِمَةَ طَيْبَةً كَخَشْرَةٍ طَيْبَةً أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ق: ۲۴/۱۴). مؤلف عنوان «کلمات طیبات» را برای کلیه آثار خود انتخاب کرده است.

۲. کلمه: عنوانی است که مؤلف آن را به جای فصل، درس، گفتار، به کار برده است.

۳. حرف: عنوانی است که مؤلف در تقسیم یک کلمه مورد استفاده قرار داده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ (ق ک: ۴۳/۷)  
 وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (ق ک: ۱۸۱/۳۷)  
 وَالسَّلَامُ عَلَى يَوْمٍ وُلِدْتُ وَ يَوْمٍ أَمُوتُ وَ يَوْمٍ أُبْعَثُ حَيًّا (ق ک: ۳۳/۱۹)

## پیشگفتار

### الف) سرگذشت درس

این سلسله دروس - برای اولین بار - توسط استاد بزرگوار علامه حضرت استاد شهید مرتضی مطهری در دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران و دانشگاه صنعتی شریف در چند نیمسال تدریس می شد.

در آن سلسله دروس - برای اولین بار - استاد به طرح مسائل کلی علوم اسلامی و احیاناً مقایسه‌ای درباره‌ی علوم در اسلام و علوم در غیر اسلام پرداخته است. در این زمینه آنچه از تقریرات درس استاد باقی مانده - در یک مجموعه سه جلدی - چاپ و در دسترس دانشجویان و علاقمندان قرار گرفته است. آن مجموعه، شامل مسائل کلی شش علم، از علوم اسلامی است که عبارتند از: ۱. کلیات منطق، ۲. کلیات فلسفه‌ی اسلامی، ۳. کلیات علم کلام، ۴. کلیات تصوّف و عرفان، ۵. کلیات اصول فقه، ۶. کلیات فقه

### ب) تمایز علوم اسلامی

برای تمایز علوم اسلامی از علوم غیر اسلامی دو نظر قابل ذکر است:

۱. علوم اسلامی از نظر استاد مطهری: «در این درس لازم است که به عنوان مقدمه درباره‌ی کلمه‌ی «علوم اسلامی» اندکی بحث کنیم و تعریف روشنی از آن بدهیم....»

استاد پس از آنکه سه نوع تعریف برای علوم اسلامی آورده است می گوید: «اکنون که تعاریف مختلفی از کلمه‌ی «علوم اسلامی» به دست

دادیم و معلوم شد که این کلمه در موارد مختلف و در معانی مختلف استعمال می‌شود.... باید بگویم که مقصود از «علوم اسلامی» که بنا است کلیّاتی از آن گفته شود، همان است که در شماره (۳) تعریف کردیم، یعنی علومی که به نوعی از نظر اسلام «فریضه»<sup>۱</sup> محسوب می‌شود و در فرهنگ اسلامی سابقه طولانی دارد.<sup>۲</sup>

۲. علوم اسلامی از نظر بعضی از معاصران: «علوم اسلامی» علومی هستند که در دامن مسلمان‌های مسلط بر معارف اسلامی و ملتزم به ارزش‌های اسلامی می‌رویند، همین و بس. از فقه و تفسیر و اخلاق که بگذریم (که مأخوذ از متن وحی و معارف دین‌اند)، علم دیگری نداریم که بتوان آن را اسلامی، (مأخوذ از وحی) دانست، اسلامی بودن علومی چون هندسه و فیزیک و... - اگر معنایی داشته باشد - همان است که در دامن مسلمانان روییده است. «فلسفه اسلامی» هم همین معنی را دارد یعنی فلسفه‌ی فیلسوفان مسلمان<sup>۳</sup>.

تذکار: با بهره‌گیری از این دو نظر و نظر بعضی از اساتید دیگر، مؤلف - نوعاً - به جای اصطلاح «فلسفه‌ی اسلامی» اصطلاح «فلسفه در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی»، و به جای اصطلاح «فیلسوف اسلامی»، اصطلاح «فیلسوف مسلمان» را به کار برده است.<sup>۴</sup>

### ج) تألیفی سهّل و مُمتنع

اهل فن پوشیده نیست که نوشتن و اظهارنظر درباره‌ی مسائل مربوط به این دو نوع معرفت (فلسفه و عرفان)، و دخالت و تجاوز به حریم اهل برهان و سالکان عرفان «سهّل

---

۱. برای اطلاع از معنی «علم فریضه» به ترجمه کتاب عوارف‌المعارف ص ۱۸ و ترجمه کتاب مصباح‌الهدایه ص ۶۳ مراجعه شود.

۲. آشنایی با کلیّات علوم اسلامی تألیف استاد مطهری، ص ۹ و ۱۱.

۳. اوصاف پارسیان، ص ۷۸.

۴. برای آشنایی بیشتر با علومی که در حوزه فرهنگ اسلامی ریشه کرده‌اند رجوع شود به: الف) کتاب کارنامه اسلام، تألیف استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ب) کتاب تاریخ تمدن اسلام، تألیف استاد جرجی زیدان، ج) ص ۳، کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران بخش ۳ از ص ۵۹۸ تا ص ۷۴۱ تألیف استاد مطهری، د) کتاب تاریخ علوم اسلامی، تألیف استاد جلال‌الدین همایی چاپ مؤسسه نشر هما ۱۳۶۳ ه.ش، ه) علم در اسلام احمد آرام.

و مُمْتَنِعٌ» یا «سَهْلٌ مُمْتَنِعٌ» است.

سهل است، از آن جهت که اظهار نظر درباره‌ی مسائل مربوط به این دو نوع معرفت - برخلاف اظهار نظر درباره‌ی مسائل مربوط به سایر علوم - بی در و دروازه است. بدان معنی که هرکسی با مختصر اطلاعی به خود اجازه می‌دهد که درباره مسائل مربوط به این دو نوع معرفت اظهار نظر کند و حتی کتاب بنویسد. مصیبت بارتر آنکه پی بردن به اشتباه خود - درباره این دو نوع معرفت - نیز مثل پی بردن به اشتباه خود در علوم تجربی و ریاضی نیست تا هر کسی به آسانی به اشتباه خود پی ببرد. و چه بسا کسانی که خیال کرده‌اند، این دو نوع معرفت نیز از جمله معرفت‌های **نقلی و تقلیدی** است و بر اساس تقلید و نقل از گفته‌های دیگران کتاب نوشته، و عباراتی را از آن کاسه به این کاسه ریخته‌اند، بدون اینکه - حتی خود آنها - معنی آن عبارات را درک کرده و به تناقض‌گویی‌های خود در آن کتاب پی برده باشند. (فیلسوفان چنین گفته‌اند، عارفان چنان کرده‌اند و... بدون اینکه معلوم باشد کدام فیلسوف یا کدام عارف و در کجا و...)

مُمتنع است، از آن جهت که درک درست و اظهار نظر بجا و به موقع درباره‌ی مسائل پیچیده و سرگیجه‌آور مربوط به این دو نوع معرفت کار بسیار مشکلی است. به عنوان مثال به بعضی مشکلات کار در این باره اشاره می‌کنیم.

۱. درباره‌ی هر یک از این دو نوع معرفت (فلسفه و عرفان)، صدها بلکه هزارها مکتب و مذهب و مسلک و نحله وجود دارد و طرفداران هر مکتب مکاتب دیگر را قبول ندارند. به قول بُرزویه‌ی طبیب «و رأی هر یک بر این مقرر که من مُصِیِّم و خَصَم من مُخطی<sup>۱</sup>».

یک کاسه کردن آراء همه‌ی این مکاتب، و حکم کلی صادر کردن درباره‌ی همه‌ی این مذاهب نه درست است، و نه امکان‌پذیر، و به دست آوردن نقطه‌ی مشترک عقاید آنان از همه مشکلاتر.

۲. بین فیلسوفان و عارفان تضاد منطقی وجود دارد، بدان معنی که فیلسوفان - مخصوصاً فیلسوفان علم‌زده و تجربه‌گرای زمان ما - روش کشف و شهود عارفان را قبول ندارند و آن را تخیلی بی‌اساس و دور از استدلال عقلی و منطقی و تجربی می‌دانند.

---

۱. مقدمه کلیل و دمنه تصحیح دکتر عبدالعظیم قریب، ص ۵۳

در مقابل، عارفان نیز روش استدلالی و عقلی فیلسوفان را نمی‌پسندند و «پای استدلالیان را چوبین و سخت بی تمکین، می‌دانند».

۳. عارفان ادعا می‌کنند: احوال درونی آنها «ناگفتنی» است و در قالب کلمات موجود نمی‌گنجد، مبهم و سریع و فرار است، و فرصت کافی برای مشاهده‌ی دقیق «احوال» نیست.

چگونه ممکن است، «حالات عارفان» را- که خود آنها می‌گویند: در قالب کلمات نمی‌گنجد، و «ناگفتنی» است- برای «ناعارفان» در قالب کلمه و سخن، «گفتنی» کرد؟

۴. این دو نوع معرفت- در طول تاریخ فرهنگ اسلامی- از طرف بعضی از متکلمان و فقیهان، همیشه زیر سؤال بوده و کوچکترین ابهام یا نارسایی در نحوه بیان مسائل مربوط به این دو نوع معرفت، موجب تکفیر می‌شده است،<sup>۱</sup> و....

۵. متقدمان ما، درباره ارزیابی عقلانی فلسفه و عرفان کار زیادی نکرده‌اند که در راه حلّ معضلات این دو نوع معرفت مورد استفاده قرار گیرد، به عبارت دیگر - در این باب - از راهنمایی متقدمان کمتر برخورداریم. مجبوریم در هر باب طرحی نو درافکنیم. به همین جهت ممکن است برخی از مطالب کتاب - هرچند نسنجیده نیست - به ذائقه‌ی بعضی از کسانی که به روش‌های متقدمان عادت کرده‌اند، گران آید. این است که اظهار نظر درباره‌ی این دو نوع معرفت- «سَهْل و مُمْتَنِع» یا «سَهْلِ مُمْتَنِع» است.<sup>۲</sup>

## د) هدف‌های کلی کتاب

عنوان کتاب (آشنایی با کلیات علوم اسلامی- فلسفه و عرفان) بیان‌کننده‌ی کلیه هدف‌های کتاب است. آنچه در سرفصل دروس مصوّب شورای عالی برنامه‌ریزی درباره‌ی این درس آمده، چنین است: «هدف آشنا کردن دانشجویان به مبادی و مقدمات

---

۱. در بخش فلسفه، نگاه کنید به شرح حال: بوعلی سینا، سهروردی، ملاصدرا و....

در بخش عرفان، نگاه کنید به شرح حال: حلاج، عین‌القضاة، شمس و ...

۲. «سَهْل و مُمْتَنِع» [به طریق ترکیب عطفی]- در اصطلاح آن است که ربط کلام و سیاق، آسان نماید، اما مانند آن، هرکس نتواند گفت.... (دهخدا، ص ۷۳۵ به نقل از کَشَاف اصطلاحات الفنون).

«سَهْلِ مُمْتَنِع» [به صورت اضافی] اصطلاحی است که ادیبان درباره‌ی قطعه‌ای (شعر یا نثر) که در ظاهر آسان نماید، ولی نظیر آن، گفتن مشکل باشد به کار برند (فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۹۶۳).

فلسفه [و عرفان] است، تا به هنگام فراگیری مسائل اصلی فلسفه [و عرفان] دچار زحمت و سردرگمی نشوند.<sup>۱</sup>

کتاب بر مبنای همان برنامه‌ی تعیین شده‌ی در سر فصل دروس دانشگاهی رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی تهیه و تدوین گردیده است.

مؤلف توجه داشته که: هر یک از مسائل مطرح شده در این کتاب می‌تواند به تنهایی موضوع یک کتاب مفصل و یا عنوان یک «پایان‌نامه‌ی دکتری» باشد، اما چاره‌ای نداشته، مؤلف مأموریت داشته، به منظور «آشنایی با کلیاتی از فلسفه و عرفان» (دو عنوان بسیار گسترده) و برای دو واحد درسی، و در محدوده‌ی برنامه‌ریزی شده، یک کتاب درسی تألیف کند، لذا از باب - «ما لا یُدرِکُ جُلَّهُ، لا یُترِکُ کُلَّهُ»<sup>۲</sup> - به ناچار - کتاب به صورت دائرةالمعارفی مختصر درباره‌ی فلسفه و عرفان درآمده است.

آب دریا را اگر نتوان کشید  
هم بقدر تشنگی باید چشید  
(مولوی)

با توجه به توضیحات فوق اهداف کتاب به‌قرار زیر است:

۱. دانشجویان عزیز به طور اجمال و فهرست‌وار با کلیاتی از مبادی و مسائل مطرح شده در فلسفه و عرفان آشنایی پیدا کنند، تا در موقع مواجهه با دروس و مسائل فلسفی و عرفانی محض، یک سابقه‌ی ذهنی متناسب داشته باشند.

به بیان دیگر رسالت این درس و این کتاب آموزش فلسفه و عرفان محض نیست، بلکه آشنا ساختن دانشجویان با مسائل کلی مطرح شده، در فلسفه و عرفان است.

۲. انگیزه‌ای باشد برای دانشجویان و علاقمندانی که تصمیم دارند در این دو رشته به تحصیل یا پژوهش بپردازند.

**تذکار:** نظر به این که سر فصل تعیین شده، هدف‌های خواسته شده را تأمین نمی‌کند. به ناچار مؤلف از بعضی مطالب به اجمال گذشته و بعضی از مطالب را که بسیار لازم بوده به آن افزوده است. شایسته است در سر فصل دروس تجدید نظر کلی به عمل آید.

---

۱. سر فصل دروس گروه الهیات و معارف اسلامی، ص ۶۱.

۲. آنچه بهترینش درک نمی‌شود، از کل آن صرف نظر نمی‌شود.

## ه) ویژگی‌های مهم کتاب

اگر کتاب به درخت «کَلِمَةُ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ» (ق:ک: ۲۴/۱۴)، و فصول کتاب را به شاخه‌های اصلی و فرعی درخت تشبیه کنیم، راه دوری نرفته‌ایم. اطلاع از ویژگی‌های کتاب به منزله‌ی اطلاع اجمالی از کلیه محتویات کتاب است. به همین جهت به بعضی از ویژگی‌های کتاب به‌طور اجمال اشاره می‌کنیم.

۱. در این کتاب سعی شده است، به جای اطلاعات و حفظیاتی از مطالب فلسفی و عرفانی، یکنوع بینش و بصیرت فلسفی و عرفانی، به دانشجو و مطالعه‌کننده داده شود.

۲. تلاش مؤلف بر این بوده که مطالعه‌ی کتاب، انگیزه‌ی مراجعه به سایر کتاب‌های فلسفی و عرفانی را تشدید و تقویت کند.

۳. مطالب حتی‌الامکان به زبان ساده و قابل فهم همگان، و متناسب با استعداد ذهنی حدّ متوسط دانشجویان نوشته شده، تا به آسانی قابل درک باشد.

۴. مؤلف در این کتاب نه مدعی است نه مدافع و نه قاضی به همین جهت از طرفداری و تعصب - در دفاع از یک نظر و ردّ نظر دیگر و شتاب زدگی در داوری - خودداری شده است. تا مطالعه‌کنندگان - بدون دغدغه خاطر - با همه نوع فکر آشنا شوند و ضمناً مطالب کتاب قابل بحث و گفتگو باشد.

۵. کلمات غیرمأنوس و جملات عربی اعراب گذاری شده است، عبارات عربی نوعاً در زیرنویس صفحات آورده شده و در صورت لزوم لغات مشکل هر متن عربی، به فارسی یا عربی ساده‌تر ترجمه شده است. و به‌طور کلی - برای کسانی که با متون فلسفی و عرفانی آشنایی داشته باشند - زیرنویسها، نسبت به متنها، پربارتر است.

۶. کلمات و جملات «مهم و اصلی»، نسبت به کلمات و جملات «رابط و فرعی»، درشت‌تر نوشته شده، به‌طوری‌که با در کنار هم قراردادن کلمات درشت یک صفحه‌ی از کتاب، تمام مطالب آن صفحه در ذهن خواننده تداعی می‌شود.

۷. این کتاب، هرچند به منظور خاص و تدریس در دانشگاه‌ها تهیه و تدوین شده است، اما از آنجا که سعی شده به روش «خودآموز» و آموزش از راه دور تهیه شود، برای غیر دانشجویانی که بخواهند یک شناخت کلی درباره فلسفه و عرفان به‌دست آورند مفید خواهد بود - و تا آنجا که مؤلف اطلاع دارد - جای چنین مجموعه‌ی مفید و مختصر و جامع و قابل فهم برای دانشجو و غیردانشجو، در میان کتاب‌هایی که درباره‌ی

فلسفه و عرفان نوشته شده، خالی بوده است.

قابل ذکر است که محتوای کتاب - به صورت جزوه درسی - در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، واحد تهران شمال و واحد قلعهک خواهران و دانشگاه پیام‌نور - توسط مؤلف و مدرّسان با تجربه - تاکنون چندین دوره تدریس شده و هر بار مورد تجدید نظر قرار گرفته است. نهایتاً توصیه‌ی مؤلف به دانشجویان عزیز این است که: تنها به یک کتاب بسنده نکنند چون کتاب یک وسیله و ابزار آموزشی است - نه هدف - چه بسا از کتاب دیگر، بهره‌گیری بهتر به دست آید. لذا از کتاب‌هایی که مدرّس مربوط معرفی می‌کند نیز استفاده نمایند.

## و) چند تذکر

نظر به اینکه این کتاب به عنوان یک کتاب درسی دانشگاهی و احیاناً به روش خودآموز نوشته شده است، لازم است مطالبی اجمالی درباره اهمیت کتاب درسی و کتاب درسی خودآموز نوشته شود.

۱. **اهمیت کتاب درسی:** کتاب درسی نخستین و قدیمی‌ترین وسیله آموزشی است که با وجود این همه اختراع و ابتکار تکنولوژی آموزشی و گسترش این همه وسایل آموزشی و کمک آموزشی متنوع و جالب - که امروز برای تمام مقاطع تحصیلی فراهم شده - باز هم وسیله‌ای است استوار و پابرجا و اهمیت آموزشی خود را از دست نداده، و همچنان محور اصلی و مهمترین عامل آموزشی در امر تعلیم و تربیت است، و استاد و دانشجو هرگز از آن بی‌نیاز نبوده و نخواهند بود.

۲. **چگونگی تألیف کتاب‌های درسی:** به نظر ما، کتاب‌های درسی - کلاً و بدون استثناء - باید زیر نظر هیأت مؤلفان و با مشورت کسانی که در آن ماده‌ی درسی تخصص علمی و تجربه و تدریس عملی داشته باشند، تهیه و تدوین گردد.

۳. **چگونگی تألیف کتاب خودآموز:** بعضی از متخصصان تعلیم و تربیت - به پیروی از بعضی روان‌شناسان - بر این باورند که تلاش خود دانشجو «خودآموزی» برای یادگیری، مؤثرتر از سایر روش‌های آموزشی است و توصیه می‌کنند که مسؤلان آموزش - در زمان معاصر - باید بر این تلاش باشند که «خودآموزی» را جایگزین آموزش به وسیله «استاد و معلّم» نمایند.

در این صورت «کتاب درسی خودآموز» باید طوری تهیّه شود که دانشجویان بدون استاد و مدرّس، محتوا و مفاهیم کتاب را فهمیده و از توضیح و تفسیر مدرّس بی‌نیاز باشند، و یا اینکه کتاب خودآموز نیاز دانشجو به استاد و معلّم را به حداقل ممکن برساند. مؤلّف که تاکنون مدت پنجاه و سه سال در دانشگاه تدریس کرده معتقد است که کتاب درسی خودآموز - هر چند خیلی خوب تهیّه شده باشد - باز هم نمی‌تواند تمام نیازهای دانشجویان را برطرف کند، به طوری که دانشجویان هیچ نیازی به مدرّس و معلّم نداشته باشند. صد البته کتاب درسی خودآموز برای آموزش این دو نوع معرفت (فلسفه و عرفان)، - بدون استاد و مرشد- نه تنها قابل استفاده نیست، بلکه احیاناً، گمراه کننده نیز خواهد بود. و تأکید عارفان و فیلسوفان به این امر بهترین مؤید این ادعاست. حافظ می‌گوید:

قطع این مرحله بی هم‌رهی «خضر» مکن      ظُلُمات است بترس از خَطَرِ گمراهی

\*\*\*

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم      که من به خویش نمودم صدا هتمام و نشد

\*\*\*

من به سر منزل عنقا نه به خود بردم راه      قطع این مرحله با «مرغ سلیمان» کردم

\*\*\*

اساتید و مشایخ ما، نه تنها اجازه نمی‌دادند کسی بدون استاد و مرشد فلسفه و عرفان بیاموزد، بلکه به سایر استادان و مرشدان توصیه‌های اکید می‌کردند و می‌گفتند: «تا زمانی که لیاقت و استعداد و استطاعت فکری دانشجو را قابل اعطای فیض، تشخیص نداده‌اید» به او حکمت و فلسفه و عرفان را نیاموزید. توصیه‌های اکید «بوعلی سینا» در خاتمه کتاب اشارات - که احتمالاً بعد از کلیه کتب فلسفی او نوشته شده - این ادعا را تأیید کند.<sup>۱</sup>

۱. توصیه بوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰) در خاتمه کتاب اشارات: «أَيُّهَا الْأَخُّ: إِنِّي قَدْ مَخَّضْتُ (۱) لَكَ فِي هَذِهِ الْإِشَارَاتِ عَنْ زَيْدٍ الْحَقِّ، وَالْقَمْتِكِ قَفَى (۲) الْحَكَمِ فِي لَطَائِفِ الْكَلِمِ. فَضْنُهُ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَالْمُبْتَدِلِينَ، وَمَنْ لَمْ يُرَاقِ الْفُطْنَةَ الْوَقَادَةَ، وَالذَّرِيَّةَ (۳) وَالْعَادَةَ، وَكَانَ صَغَاهُ (۴) مَعَ الْغَاغَةِ (۵) أَوْكَانَ مِنْ مَلَا جِدَّةٍ هَوْلَاءِ الْفَلَايِفَةِ وَمِنْ هَمَجِهِمْ. فَبَانَ وَجَدَتْ مِنْ تَبَيُّنٍ بِنَاءٍ سَرِيرَتِهِ وَاسْتِقَامَةِ سِيرَتِهِ وَيَتَوَقَّعُهُ عَمَّا يَسْرَعُ إِلَيْهِ الْوَسْوَاسُ (۶)، وَبَنَظَرِهِ إِلَى الْحَقِّ بِعَيْنِ الرِّضَا وَالصَّدَقِ، فَأَتَاهُ مَا يَسْأَلُكَ مِنْهُ مُدْرَجًا، مُجَرَّأً مُفْرَقًا. تَشْتَفِرُسَ (۷) مِمَّا تَسْلُفُهُ (۸)، لِمَا تَسْتَقْبِلُهُ، وَعَاهِدُهُ بِاللَّهِ، وَبِإِيمَانٍ لَا مُخَارِجَ لَهَا، لِيَجْرِيَ فِيمَا تَأْتِيهِ مَجْرَاكَ، مُتَأَسِّيًا بِكَ. فَإِنْ أَدَعَتْ (۹) هَذَا الْعِلْمَ، أَوَاضَعَتْهُ فَالِلَّهِ يَتَنَّى وَبَيْتِكَ، وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا.» (۱) يُفَال مَخَّضْتُ اللَّيْنِ لِأَخِي زَيْدٍ، وَ الْوَيْدَةُ: أَخَصُّ مِنْهُ. - (۲) الْكَفَى وَالْفَقِيْه: الشَّيْءُ الَّذِي يُؤْتَر بِهِ الصَّيْفُ. (۳) الذَّرِيَّة: الْجُرَّة - (۴) صَغَاهُ: مِيلُهُ - (۵) الْغَاغَةُ: الْكَثِيرُ الْمُخْتَلَطُونَ. - (۶) الْوَسْوَسةُ: حَدِيثُ النَّفْسِ. - ←

۳. کتاب حاضر و مسئله‌ی خودآموزی: کتابی که در پیش رو دارید، به طور مسلم توان آن را دارد که - به کمک متخصصان فن - به صورت کتاب خودآموز «آشنایی با کلیاتی از فلسفه و عرفان» در آید. و مورد استفاده دانشجویان عزیز و سایر مطالعه‌کنندگان قرار گیرد. اما این نه بدان معنی است که هر مبتدی - بدون داشتن مقدمات لازم و بدون استاد - تنها با مطالعه‌ی این کتاب هم فیلسوف و هم عارف شود. حافظ می‌گوید:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند      نه هر که آینه دارد سکندری داند  
 نه هر که طُرفِ کُله کج نهاد و تُند نشست      کلاه‌داری و آیین سروری داند  
 ...  
 هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست      نه هر که سر بتراشد<sup>۱</sup> قلندری داند

## ز) سخنی با مدرّسان و دانشجویان

۱. با مدرّسان: بر مدرّسان ارجمند پوشیده نیست که عوامل مختلفی در پیشبرد امر تعلیم و تربیت و یادگیری مؤثر است. هرگاه یکی از آن عوامل موجود نباشد، یا عوامل موجود هماهنگی لازم را نداشته باشند امر تعلیم و تربیت انجام‌پذیر نخواهد بود و شکی نیست که رکن اساسی و سهم بیشتر در تعلیم و تربیت، وجود مدرّس شایسته است که شرایط لازم - برای تدریس - را داشته باشد.

البته مؤلف در صلاحیت خود نمی‌بیند که برای مدرّسان محترم خط‌مشی و طرح درس و... را تعیین کند، فقط به یک جمله اکتفا کرده و عرض می‌کند: هر چند کتاب یکی از وسایل مهمّ تعلیم و تربیت است، ولی این مدرّس شایسته است که کمبودهای کتاب را جبران و اضافات آن را حذف می‌کند.

۲. با دانشجویان: اگر ارکان اصلی تعلیم و تربیت (مدرّس، کتاب، محتوای درسی و دانشجو) را به یک مرتبه تشبیه کنیم، دانشجو ضلع چهارم مربع را تشکیل می‌دهد، بدان معنی که اگر دانشجو نیز علاقمند و کوشا نباشد، و یا علوم پایه‌ی لازم را در حد و درک فهم آن درس، فرا نگرفته باشد، هر چند کتاب و مدرّس شایسته‌ای داشته باشد،

---

→ (۷) الْأَشْفَرُاس: طَلَبُ الْفِرَاسَةِ. - (۸) أَسْلَفْتُ: أَعْطَيْتُ فِي مَا تَقَدَّمَ. - (۹) أَذَاعَ الْخَيْرَ: أَفْشَاهُ (اشارات بوعلی سینا،

چاپ مصر، جزء سوم و چهارم، ص ۹۰۳).

۱. در آن زمان رسم قلندران این بوده که سر می‌تراشیدند.

امر تعلیم و تربیت به نحو مطلوب انجام نخواهد گرفت. به بیان دیگر، برای پیشبرد امر تعلیم و تربیت، هر چند مدرّس شایسته و کتاب خوب و محتوای علمی متناسب لازم است ولی کافی نیست، مگر آنکه ضلع چهارم مربع (دانشجو) نیز با تلاش و کوشش خود - به صورت پیش مطالعه و مباحثه و تکرار درس، آمادگی لازم را برای بهره‌گیری بیشتر از مدرّس و کتاب داشته باشد.

## اعتذار و انتظار

مؤلف مدعی نیست که در فلسفه و عرفان تبخّر کامل داشته، و در این کتاب حق هر مطلبی را به خوبی ادا نموده، و کتاب بی‌عیب و نقصی به بازار معرفت ارائه کرده است. چرا که هیچ متن و نوشته و کتابی را نمی‌توان یافت که از عیب و نقص مبری بوده و آخرین حرف را زده باشد.

بزرگان گفته‌اند: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزاده‌اند»<sup>۱</sup>

مؤلف خود به نواقص کتاب واقف و در عین حال معذور بوده است چرا که می‌بایست مطالب متنوع و مشکل و گسترده (کلّیاتی از فلسفه و عرفان) را در فرصتی کم و صفحاتی محدود (هر بخش یکصد صفحه) بیان کند. دیگر آنکه بیان مطالب فلسفی و عرفانی بدون دست دادن «حال» غیرممکن است، به قول عین القضاة همدانی «این قصه را «آلَم» باید از «قَلَم» هیچ نیاید»<sup>۲</sup>.

امید است زحمات مؤلف نزد خدا مقبول و محتوای کتابش نزد خلق خدا معقول و معایب آن نزد اهل فن معدود باشد «كَفَى الْمَرْءُ نُبَالًا أَنْ تُعَدَّ مَعَايِبُهُ».

---

۱. اشاره به سخن بزرجمهر است: «در حکایت شنیدم که به‌روزگار خسرو- اندر وقت وزارت بزرجمهر - رسولی آمد از روم، خسرو بنشست - چنانکه رسم ملوک عجم بود- و رسول را بار داد، و می‌خواست که: بارنامه کند.» که مرا وزیر دانست. در پیش رسول با وزیر گفت: ای فلان! همه چیزها که در عالم است، تو دانی. بزرجمهر گفت: من ندانم ای خدایگان جهان. خسرو از این سخن طیره شد، و از رسول خجل گشت و پرسید: که پس همه چیز که داند؟

بزرجمهر گفت: همه چیز را همگان دانند، و همگان هنوز از مادر نزاده‌اند».\*

\* بارنامه کند: «تفاخر و مباحثات کند.» \* قابوسنامه به تصحیح استاد سعید نفیسی، ص ۲۶.

۲. به زیر نویس شرح حال عین القضاة همدانی بخش عرفان همین کتاب مراجعه شود.